نام کتاب:تربيت از ديدگاه امام سجاد علیه السلام

نویسنده:همت ‌بناري، علي

تربيت از ديدگاه امام سجاد علیه السلام (1)

اشاره

امام ساجدان علي بن الحسين (ع) در رساله جامع حقوقي خود، كه سند پر افتخار و گران سنگ معارف ناب شيعي است، به بيان حقوق مختلفي كه بر عهده فرد مسلمان است، مي ‌پردازد. آن بزرگوار حقوق فرزندان و خردسالان را در كانون توجه خويش قرار داده، والدين را با مسؤوليت خطيرشان آشنا مي‌سازد. حساسيت و ظرافت موضوع، امام ساجدان را بر آن داشت تا در منشور حقوقي‌اش دو بخش را، با عنوان‌هاي «حق الولد» و «حق الصغير»، به حقوق فرزندان و خردسالان اختصاص داده، راهنماي تربيتي والدين باشد و شيوه‌هاي مطمئن و ره توشه‌هاي تربيتي ماندگار را فرا روي آنان قرار دهد. اين مقاله بر آن است تا، ضمن نقل متن كلام نوراني امام(ع) در دو بخش «حق الوالد» و «حق خردسال»، در حد بضاعت نگارنده به توضيح و تبيين آن بپردازد.

## حق فرزند

اشاره

«واما حق الولدك فتعلم انه منك و مضاف اليك في عاجل الدنيا بخيره و شره و انك مسئول عما وليته من حسن الادب و الدلالة علي ربه و المعونة له علي طاعته فيك و في نفسه فمثاب علي ذالك و معاقب، فافعل في امره عمل المتزين بحسن اثره عليه في عاجل الدنيا المعذر الي ربه فيما بينك و بينه بحسن القيام عليه و الاخذ منه و لاقوة الا بالله.» اين سخن حاوي نكات مهم تربيتي است كه به برخي از آنها اشاره مي‌شود:

## فرزند، پاره تن انسان

فتعلم انه منك... امام سجاد(ع) در اين بخش از سخنانش فرزند را جزئي از وجود انسان و پاره تن او مي‌خواند. بديهي است كه انسان، بطور فطري، خود و اشيا و امور وابسته به خود را دوست دارد، در راه نگهداري‌اش فداكاري مي‌كند و در مسير رشد و تعالي‌اش مي‌كوشد. اين حقيقت كه فرزند وابسته به انسان جزئي از وجود اوست، مسؤوليت‌ سنگين والدين و لزوم عنايت پيوسته به تربيت و رشد فرزندان را يادآوري مي‌كند.

## فرزندان مايه افتخار يا ذلت والدين

... ومضاف اليك في عاجل الدنيا بخيره و شره كودكان پاك و معصومند و سرزمين وجودشان آماده افشاندن هر بذري است. والدين مي‌توانند باغباناني دلسوز و با تدبير باشند و دشت حاصل خيز وجود فرزندانشان را به باغستاني سرسبز و بارور تبديل كنند يا در شمار كشاورزان ناآگاه و بي‌تجربه جاي گرفته، در سرزمين وجود فرزندانشان خارهاي آزاردهنده كشت كنند. البته ثمره تلخ و شيرين فرزندان، سرانجام به والدين مي‌رسد. اگر فرزندان نيك باشند، مايه نيكنامي و افتخار والدين مي‌شوند و اگر درست تربيت نشوند، مايه خواري و بدنامي آنان خواهند بود. آري، چه بسيار والديني كه سالها پيش بدرود حيات گفتند، ولي به سبب فرزندان و يادگاران صالح و شايسته، همچنان نامشان زنده و يادشان گرامي است و نداي «خدايش بيامرزد» مؤمنان هديه روحشان است. در مقابل گروهي از والدين، به خاطر فرزندان زشت كردارشان مورد خشم و نفرت ديگران قرار گرفته‌اند و نفرين مردم پيوسته بدرقه راهشان. بدين جهت امام (ع) در آغاز سخنش مي‌فرمايد: «فرزند انسان جزئي از وجود اوست و خير و شرش با وي گره خورده است.» اين هشداري به والدين است كه اگر براي تربيت فرزندانشان اهميت قائل نيستند و اگر آينده فرزندانشان را نمي‌خواهند، دست كم به نيك نامي خويش بينديشند.

## مسؤوليت والدين

... وانك مسئول عما وليته. فرزندان وديعه‌هاي الهي و از بزرگترين نعمتهاي پروردگارند. آنان صفابخش لحظه‌هاي زندگي و مايه طراوت، شادابي و آرامش كانون خانواده‌اند. والدين در برابر اين وديعه‌ها و نعمتهاي الهي بايد هم سپاسگزار باشند و هم احساس مسؤوليت كنند. شكر نعمت فرزند، درست انجام دادن وظيفه بزرگ و سنگين تربيت است. آنها خواسته يا ناخواسته اين مسؤوليت بزرگ را بر دوش دارند و ضروري است كه، ضمن باور كردن اين مسؤوليت و اهميت والايش، جهت انجام دادن درست آن، خود را به ابزار لازم مجهز كنند و با استعانت از خداي منان و عزمي راسخ آن را به انجام رسانند.

## محورهاي مسؤوليت

در كلام نوراني امام (ع)، والدين نه تنها مسؤول تربيت فرزندانشان شمرده شده‌اند، بلكه محورهاي مسؤوليت آنان نيز مشخص شده است. اين محورها عبارت است از: 1 - ادب نيكو (من حسن الادب) 2 - خداشناسي (والدلالة علي ربه) 3 - اطاعت خداوند (والمعونة علي طاعته) والدين بايد در اين سه محور (اخلاق، اعتقادات و پيروي عملي از شرع مقدس) انجام وظيفه كنند. مسؤوليت آنان تنها تامين غذا، مسكن و بهداشت جسماني نيست. آنها، پيش از آنكه مسؤول تأمين سلامت جسماني و تأمين معيشت فرزندان باشند، مسؤوليت تأمين سلامت اخلاقي و اعتقادي و عملي آنها را بر عهده دارند.

## شيوه ايفاي مسؤوليت

... فيك و في نفسه. به نظر مي‌رسد كه دو كلمه «فيك و في نفسه» در كلام حضرت به روش اجراي مسؤوليت والدين اشاره مي‌كند. بدين بيان كه «فيك» به بعد الگوي عملي والدين و «في نفسه» به تلاش خود فرزند اشاره دارد كه البته آن هم در سايه هدايت و كمك والدين به دست مي‌آيد. شيوه الگويي از مؤثرترين و كارآمدترين شيوه‌هاي تربيت است و ائمه اطهار: اغلب در تربيت فرزندانشان از اين شيوه بهره مي‌بردند؛ يعني خود الگويي كامل براي فرزندان بودند و با عمل و رفتار خويش آنها را تربيت مي‌كردند. البته، در كنار پديد آوردن الگوي عملي، بايد زمينه را فراهم ساخت تا فرزند، خود نيز تلاش كند؛ در پي سعادت خويش برآيد؛ در مسير تربيت گام بردارد و پيوسته به حمايت والدين وابسته نباشد. در اين مرحله، وظيفه والدين هدايت، نظارت و بستر سازي براي تعليم و تربيت خود جوش است.

## پاداش و كيفر مسؤوليت

... فمثاب علي ذالك و معاقب. مسؤوليت داشتن آثاري دارد. اگر به درستي انجام شود؛ فرد سزاوار پاداش و تشويق است؛ و اگر در ايفاي آن كوتاهي شود، فرد استحقاق تنبيه و كيفر مي‌يابد. اگر والدين مسؤوليت خود را درست انجام دهند، شايسته پاداش الهي مي‌شوند؛ و اگر كوتاهي كنند، كيفر در انتظارشان خواهد بود.

## نماياندن آثار اعمال نيك به فرزند

... فاعمل في امره عمل المتزين بحسن اثره عليه في عاجل الدنيا. بزرگ جلوه دادن كار نيك فرزند و نشان دادن اثر اعمال نيك كودك به او از اقدامات مؤثر تربيتي شمرده مي‌شود. بزرگ كردن كار خوب فرزند نوعي تشويق معنوي است، سبب ايجاد و تقويت انگيزه مي‌شود و او را براي انجام دادن كارهاي بزرگتر و بهتر آماده مي‌سازد. والدين نبايد از كنار كار خوب فرزند، هر چند در نظر آنان كوچك و ناچيز باشد، با بي‌توجهي بگذرند؛ بلكه بجاست آنان را به خاطر كار خوب تشويق كنند، كردارشان را زينت دهند و بزرگ بنمايانند. افزون بر اين، شايسته است آثار كارهاي خوب فرزندانشان را براي آنان ترسيم كنند و به زيبايي نمايش دهند؛ چرا كه آنان، با ديدن آثار اعمالشان، اعتماد به نفس بيشتر مي‌يابند و خود را براي انجام دادن كارهاي بزرگتر توانا مي‌بينند.

## نظارت بر رفتار فرزند

... بحسن القيام عليه. بي‌تفاوتي و غفلت از رشد و هدايت فرزند در زندگي آثاري جبران ناپذير دارد. فرزند انسان نونهالي است كه به باغباني دلسوز و با درايت نيازمند است تا از او مراقبت كند؛ بويژه امروز كه در اثر تهاجم فرهنگي زمينه‌هاي انحراف نوجوانان و جوانان آماده‌تر است و دشمنان هدايت و تربيت، براي صيد آنان دامهاي رنگارنگ گسترانيده‌اند. در اين موقعيت، نظارت و مراقبت از فرزندان ضرورت مضاعف يافته، مسؤوليت سنگين‌تر مي‌شود و انجام دادن وظيفه تلاش بيشتر مي‌جويد.

## بهره‌گيري از استعدادهاي فرزند در تربيت

... والاخذ منه. انسان اشرف مخلوقات است و استعداد رسيدن به رفيعترين قله‌هاي انسانيت را دارد. خداوند استعدادهايي در وجود انسان به وديعه گذاشت تا در پرتو پرورش صحيح شكوفا شود. علاوه بر استعدادهاي فطري و مشترك، كه در همه انسانها وجود دارد، هر فرد نيز از تواناييهايي ويژه برخوردار است كه ضروري است در پرتو دقت و نظارت والدين و معلمان و مربيان بخوبي شناسايي و حمايت شود تا به رشد و شكوفايي برسد، در سايه آن، راه طولاني تربيت سريعتر پيموده شود و تربيت فرزند آسانتر انجام گيرد.

## استمداد از پروردگار در تربيت

... ولا قوة الا بالله. تربيت آسان نيست، بلكه ظريف، دقيق و پيچيده است. انسان ماشين نيست تا به سادگي راه‌اندازي شود. علم بشر، با همه پيشرفتي كه دارد، هنوز در شناخت رموز ابعاد وجودي انسان توفيق كامل نيافته است. بنابراين، در امر ظريف تربيت، همراه با تلاش خستگي ناپذير و پيوسته، همواره بايد از آفريدگار ياري خواست. بدين سبب، امام عارفان و سيد ساجدان در پايان اين نسخه تربيتي فرموده است: ولا قوة الا بالله.

## حق خردسال

اشاره

«واما حق الصغير فرحمته و تثقيفه و تعليمه و العفو عنه و الستر عليه و الرفق به و المعونة له و الستر علي جرائر حداثته فانه سبب للتوبة و المداراة له و ترك مماحكته فانه ادني لرشده.»

## مهرباني

كودك رواني لطيف و ظريف دارد؛ رواني كه جز مهرباني برنمي‌تابد. او ظرفيت عتاب و تندي ندارد و زود مي‌رنجد و مي‌گريد. آري، مهرباني ضروري ‌ترين نياز كودك است. بدين جهت، امام سجاد (ع) آن را اولين حق كودك برمي‌شمرد و بر حق تربيت و تعليم مقدم داشت. اين بدان معناست كه كودك، پيش از نشستن در كلاس تربيت و تعليم، بايد نسيم خوش مهرباني و عطوفت را تجربه كند؛ اقليم وجودش از بوي خوش مهرباني عطرآگين گردد و حتي آموزش نيز بايد در پرتو مهرباني و عطوفت به انجام رسد. جالب آن است كه در نسخه شيخ صدوق عبارت «فرحمته في تعليمه» به چشم مي‌خورد كه تصريح بدين امر است. بدين سان، در مي‌يابيم كه آموزش، بويژه در دوره ابتدايي، بايد با مهرباني و محبت همراه باشد. اين اصلي اساسي و اجتناب ناپذير است.

## تربيت كودك

... وتثقيفه. اساسي‌ترين و ضروري‌ترين حق فرزند و خردسال تربيت اخلاقي و معنوي اوست. تربيت با اهميت‌ ترين هدف و بلكه هدف همه تعاليم و معارف اسلامي است. زندگي انسان مسلمان در پرتو تربيت اسلامي معنا پيدا مي‌كند و ارج و ارزش انسان به تربيت معنوي و اخلاقي اوست. وگرنه، به فرموده قرآن، مانند حيوان و بلكه از آن هم پست‌ تر خواهد بود. اهميت والاي تربيت، وظيفه والدين را صد چندان مي‌كند. آنان كه در حيات تربيتي فرزندان اولين نقش را بر جاي مي‌نهند، نخستين و اساسي‌ترين وظيفه را نيز به عهده دارند و ضروري است بيش از هر حق ديگري بدين حق اساسي كودك توجه كرده، در انجام دادن درست آن از هيچ كوششي دريغ نكنند.

## تعليم و آموزش كودك

... وتعليمه. از ديگر حقوق مهم فرزند سوادآموزي و فراگيري دانش است. اهميت سوادآموزي و دانش به توضيح و تأكيد نياز ندارد. پر واضح است، سعادت هرگونه كه تفسير شود، دانش آموختن اولين و اساسي‌ترين گام رسيدن به آن است. اگر كسي سعادت را صرفا رفاه مادي و آسايش دنيوي معنا كند، دانش آموختن گام نخست در تحصيل آن است و اگر آن را در قرب الهي و بندگي خداوند جستجو كند كه حق همين است باز هم دانش و معرفت از مطمئن‌ترين راههاي وصول بدان شمرده مي‌شود. دانش كليد حل بسياري از مشكلات و ابزار دستيابي به بسياري از مصالح و منافع مادي و معنوي است. بر والدين، كه در برابر سعادت فرزندانشان مسؤولند؛ ضروري است تا زمينه تحقق اين حق مهم را برايشان فراهم سازند و آنان را از نعمت سواد و دانش بهره‌مند گردانند.

## عفو

... والعفو عنه. زمينه خطا و اشتباه در اعمال و رفتار كودك بسيار است. آنان در ابتداي مسير رشد هستند، نه رشد بدني كافي يافته‌اند و نه عقل و تدبيرشان به حد كمال رسيده است. بنابراين، امكان هر نوع لغزش و خطا در رفتار و گفتارشان وجود دارد. والدين و بزرگسالان بايد اين واقعيت را بپذيرند كه كودكانشان انسانهاي كوچكي بيش نيستند و انتظار بزرگان از آنان داشتن خطاست. پس بجاست كه از خطاهاي آنان با كرامت و بزرگواري درگذرند و پوزش آنان را براحتي بپذيرند.

## خطا پوشي و تغافل

والستر عليه... والستر علي جرائر حداثته فانه سبب للتوبة. چنانكه بيان شد، در كودكان و نوجوانان، به خاطر عدم رشد كامل عقلاني، زمينه لغزش بسيار است و اشتباه و تقصير در اعمال و رفتارشان دور از انتظار نيست. واكنش والدين و بزرگترها، در برابر اين لغزشها، دو نوع است يكي آنكه خطاهايشان را سريع به آنان گوشزد كنند، و احيانا به تنبيه و سرزنش آنان بپردازند و ديگر آنكه، ضمن داشتن حساسيت و توجه، به روش خطاپوشي و تغافل كه روشي درست و اثربخش است، روي آورند؛ چرا كه تغافل از اصول مهم تربيتي است؛ يعني والدين خود را به غفلت بزنند و چنان وانمود كنند كه خطاي فرزندشان را نديده‌اند. چنانچه والدين چنين رفتاري داشته باشند، امكان پشيماني و بازگشت از خطا بيشتر است؛ اما اگر كودكان و نوجوانان در مقابل هر خطا و تقصيري با سرزنش و تنبيه والدين رو به رو شوند، احساس مجرم بودن كرده، چنان مي‌انديشند كه ديگر اعتبار و ارزشي نزد والدين و بزرگسالان ندارند. اين امر باعث مي‌شود كه در مراحل بعد نيز لغزش و خطا برايشان زشت نباشد و ارتكاب آن امري عادي شمرده شود. گذشته از اين، سرزنش و تذكرهاي پياپي، بذر لجاجت را در وجود فرزند مي‌افشاند و زمينه پذيرش اندرز را در او نابود مي‌كند. امام زين‌العابدين (ع) به خاطر اهميت اصل خطاپوشي و تغافل، اين حق را مورد تأكيد قرار داده و دو بار آن را بر زبان رانده است. آن بزرگوار فايده و سبب خطاپوشي را نيز بيان كرده، مي‌فرمايد: پوشاندن لغزشهاي دوران كودكي و نوجواني به بازگشت آنان و پرهيز از خطا و لغزش مي‌انجامد.

## رفق و ملاطفت با كودك

... والرفق له. روحيه لطيف كودك با اندك تندي و خشم، آزرده مي‌شود. بنابراين، بزرگسالان، بويژه والدين، بايد از گلهاي زندگي خويش با لطافت و نرمي مراقبت كنند؛ با صبر و حوصله در برابر آزارهاي كودكانه آنان عطوفت و ملاطفت نشان دهند و جز در موارد استثنايي نگاه تند و چهره خشمگين بدانان نشان ندهند.

## كودكان فقراي درگاه بزرگسالان

... والمعونة له. كودكان كانون نيازمندي و فقرند. نيازهايشان فراوان و كمبودهايشان نمايان است. آنان در لحظه لحظه كودكيشان به حمايت و مراقبت والدين و بزرگترها نيازمندند. نيازهاي جسماني، نيازهاي عاطفي، نيازهاي رواني و... از آنان مسكيناني راستين ساخته است. آنها جز در پرتو كمك و حمايت بزرگترها و والدين قادر به رشد و تكامل و حتي ادامه حيات نيستند. بنابراين، بر بزرگسالان است كه مستمندان درگاه خويش را ياري دهند و در رفع نيازمنديهاي آنان بكوشند.

## مدارا با كودك

... والمداراة له. ضرورت مدارا و تحمل رفتارهاي ناسنجيده كودكان امري روشن است؛ چرا كه آنان در طريق رشد و تكاملند، هنوز دركشان كامل نگشته، خوب و بد كارها را براحتي تشخيص نمي‌دهند، با آداب اجتماعي آشنا نيستند، ارزشها و ضد ارزشها برايشان بي‌معناست، خواسته‌ها و انتظاراتشان لباس منطق بر تن نپوشيده است و همچنان در خيالات و پندارهاي كودكانه خويش غوطه‌ورند. كنجكاوي و انرژي زيادشان اغلب آنان را به انسانهاي شلوغ و پردردسر مبدل ساخته و اعمال و رفتار ناسنجيده و آزار دهنده را ويژگي طبيعي‌شان ساخته است. والدين و بزرگسالان بايد اين موقعيت كودكان را بدرستي درك كرده، با بردباري بسيار خود را براي تحمل كردار نادرست آنان آماده سازند تا از امتحان بزرگ و سخت دوران كودكي فرزندان سربلند برون آيند.

## ترك لجاجت با كودك

... وترك مماحكته فانه ادني لرشده. كودكان، به خاطر نداشتن آگاهي لازم و درك كافي، كمبودها و نقص‌هاي بسيار دارند. آنها چه بسا به لجاجت با والدين و بزرگسالان برخاسته، باعث آزار آنها مي‌شوند. در چنين موقعيتي بزرگترها بايد با كودكان مدارا كنند و از لجاجت و مخاصمه با آنان جدا بپرهيزند. طبق سخن امام سجاد (ع) اين روش براي رشد و هدايت كودكان مناسبتر است.

امام سجاد علیه السلام و تربيت فرزند (3)

اشاره

ائمه طاهرين در تربيت فرزندانشان شيوه‌هاي مختلفي به كار مي‌بردند و در هر موقعيتي از شيوه‌اي مناسب بهره مي‌جستند. از سيره و سخنان امام ساجدين علي بن‌الحسين (ع) چنان برمي‌آيد كه آن حضرت از سه شيوه «تربيت الگويي»، «تربيت عملي» و «تربيت موعظه‌اي» بيشتر بهره مي‌بردند.

## تربيت به شيوه الگويي

تربيت به شيوه الگويي عبارت است از ارائه الگوهاي مطمئن و شايسته براي اينكه فرزندان، رفتار و اخلاق آنها را سرمشق خويش قرار داده، در مسير تكامل و رشد بهتر، گام بردارند. بي‌ترديد والدين، بويژه پدر، خود اولين الگوي فرزندانشان هستند و فرزندان رفتار و زندگي آنان را سرمشق خويش قرار مي‌دهند. واقعيت اين است كه والدين در امر تربيت چند دسته‌اند؛ برخي به كلي از وادي تربيت دورند و فقط در پي تأمين منافع حال و آينده خويشند. برخي به وادي تربيت قدم نهاده‌اند، اما راه و رسم تربيت را نمي‌دانند، گروهي به وادي تربيت قدم نهاده‌اند و راه و رسم تربيت را نيز تا حدودي مي‌دانند ولي بي‌آنكه خود تربيت شده باشند، در پي آنند كه فرزندانشان تربيت شوند. اندك والديني هم هستند كه ضمن فرا گرفتن راه و رسم زندگي، هم خود تربيت شده‌اند و هم به تربيت فرزندانشان اقدام مي‌كنند. در اين بحث، روي سخن ما با دسته سوم است كه تربيت ناشده، در پي تربيت ديگرانند. بايد از سر سوز و با تمام وجود گفت كه زهي خيال باطل! چقدر اشتباه است كه والديني خود طعم شيرين عبادت را نچشيده، راز ارتباط با خالق را نيافته باشند و از فرزندانشان انتظار اين امور را داشته باشند. آنان كه عمر را به بطالت و جواني را به رذالت و سرمايه‌هاي مادي و معنوي را به خسارت در راه غير خدا داده‌اند، چگونه انتظار تربيت فرزنداني نيك نام و صالح دارند؟ ذات نايافته از هستي بخش كي تواند كه شود هستي‌بخش امام سجاد (ع)، بر اساس تربيت به روش الگويي، خود نمونه‌اي كامل براي فرزندان بود و با رفتار و اعمال شايسته خويش فرزندان را به طور غير مستقيم و با زبان عمل تربيت مي‌كرد. آن بزرگوار، بيش از آنكه با سخن و گفتار به تربيت فرزندان اقدام كند، با عمل آنان را به فضيلت و پاكي دعوت مي‌كرد. جالب آن است كه آن امام همام، كه به حق زينت عابدان و سرور ساجدان شهرت يافته است، در مواعظ و وصاياي متعددش كمتر فرزندان را به عبادت و سجده سفارش مي‌كرد و گويا عمل پيوسته و دلنشين آن حضرت فرزندان را از هر سخن و موعظه‌اي در اين باره بي‌نياز مي‌ساخت. نمونه‌هايي از اعمال و رفتار حضرت، كه راهنماي تربيتي فرزندانش بود، چنين است: 1 - صاحب «كشف‌الغمة» مي‌نويسد: آن حضرت دوست نداشت كسي در طهارت ياري‌اش كند. خودش براي وضو آب فراهم مي‌كرد و شب‌ها قبل از خوابيدن آب را آماده مي‌ساخت، در نيمه شب بيدار مي‌شد، ابتدا مسواك مي‌زد و بعد وضو مي‌گرفت و نماز مي‌خواند. نمازهاي مستحبي كه در روز از او فوت مي‌شد، شب قضا مي‌كرد و مي‌فرمود: فرزندانم، اين نمازها بر شما واجب نيست؛ ولي دوست دارم هر كدام از شما كه نفسش را بر كار خيري عادت داد، بر آن مداومت ورزد. [1] . 2 - سعيد بن كلثوم مي‌گويد: من نزد جعفر بن محمد (ع) بودم كه از اميرالمؤمنين علي بن ابي طالب ياد كرده، او را به آنچه سزاوار بود ستايش كرد و فرمود:... هيچ يك از فرزندانش در لباس و فقه از علي بن حسين به او شبيه‌تر نيست. فرزندش ابوجعفر بر او وارد شد. او به قدري عبادت كرده بود كه كسي قادر بر آن نبود. ابوجعفر مي‌گويد: او را مشاهده كردم در حالي كه رنگش در اثر بيداري زرد شده و چشمهايش در اثر گريه زياد، بسيار گرم شده بود. پيشاني‌اش بالا آمده و پرهاي بيني‌اش در اثر سجده گسسته شده بود. و ساقها و قدمهايش به سبب ايستادن در حال نماز ورم كرده بود. وقتي او را در اين حال ديدم، نتوانستم گريه خود را كنترل كنم و برايش گريستم. او در حال تفكر بود. اندكي پس از ورودم، متوجه من شد و فرمود: فرزندم، بعضي از صحيفه‌هايي را كه در آن عبادت علي (ع) ثبت شده، به من بده. آنها را به او دادم. مقدار كمي از آنها را قرائت كرد. سپس با اندوه آنها را رها كرد و فرمود: چه كسي بر عبادت علي بن ابي طالب قادر خواهد بود. [2] . 3 - جابر جعفي از امام باقر (ع) چنين نقل كرد: پدرم علي بن حسين (ع) نعمتي از پروردگار را ياد نمي‌كرد، مگر آنكه سجده مي‌كرد؛ آيه‌اي از آيات سجده را تلاوت نمي‌كرد، مگر آنكه سجده مي‌كرد، خداوند هيچ بلاي ترسناك و كيد دشمني را از او دفع نمي‌كرد، مگر اينكه سجده مي‌كرد؛ از هيچ نماز واجبي فارغ نمي‌شد، مگر آنكه سجده مي‌كرد؛ هيچ اصلاح و آشتي بين دو نفر ايجاد نمي‌كرد، مگر آنكه به خاطر موفقيت در آن سجده مي‌كرد؛ اثر سجده در تمام مواضع سجود او نمايان بود و بدين علت او را «سجاد» ناميده‌اند. [3] . 4 - امام باقر (ع) فرمود: علي بن حسين (ع) شبها كيسه نان را بر دوشش مي‌گذاشت و [به مستمندان] صدقه مي‌داد. 5 - آن حضرت همچنين فرمود: پدرم علي بن‌الحسين (ع) اموالش را دو بار [بين مستمندان] تقسيم كرد. [4] .

## تربيت شيوه عملي

اشاره

امام چهارم (ع) با واگذاري مسؤوليت به فرزندان، شركت دادن آنها در فعاليتهاي پسنديده و بردن آنها به مجالس و مكانهاي مناسب به طور عملي به تربيت آنان مي‌پرداخت و بر كار آنان نظارت مي‌كرد. در اينجا به جلوه‌هايي از اين شيوه اشاره مي‌كنيم:

## آموزش احترام به بزرگترها

ابن زبير محمد بن مسلم مكي مي‌گويد: «ما نزد جابر بن عبدالله بوديم كه علي بن حسين (ع) در حالي كه فرزند خردسالش محمد (ع) همراهش بود، نزد جابر آمد. علي بن حسين به فرزندش فرمود: «قبل رأس عمك» صورت عمويت [جابر] را ببوس. محمد بن علي (ع) نزد جابر آمد و صورت او را بوسيد. جابر كه نابينا بود، پرسيد: او كيست؟ علي بن حسين (ع) فرمود: پسرم محمد است. جابر محمد را در آغوش گرفت و گفت اي محمد، رسول خدا (ص) تو را سلام مي‌رساند. به او گفتند: اي جابر، چگونه رسول خدا (ص) سلام مي‌رساند؟!! گفت: من نزد رسول خدا (ص) بودم و حسين (ع) در آغوشش بود و با او بازي مي‌كرد. به من فرمود: اي جابر، براي فرزندم حسين (ع) فرزندي خواهد بود كه او را علي مي‌نامند، وقتي روز قيامت برپا شد منادي ندا مي‌دهد كه سرور عابدان برخيزد؛ و علي بن حسين(ع) برمي‌خيزد. براي علي فرزندي خواهد بود كه نامش محمد است؛ اي جابر، هر گاه او را ملاقات كردي، سلام مرا به او برسان...». [5] .

## همراهي در محكمه قضاوت

ابوبصير نقل كرده است: «ابوجعفر (ع) به من فرمود: زني از خوارج «كه گمان مي‌كنم فرمود از بني‌حنيفه است» نزد پدرم بود. يكي از دوستان پدرم به او گفت: اي پسر رسول خدا (ص)، نزد تو زني است كه از جدت [علي(ع)] برائت مي‌جويد. پدرم او را طلاق داد. او ادعاي مهر كرد [ظاهرا حضرت قبلا مهرش را پرداخته بود] و نزد حاكم مدينه از پدرم شكايت كرد. حاكم مدينه به پدرم گفت: اي علي [بن حسين]، يا سوگند ياد كن و يا مهرش را بده. پدرم به من [كه همراه او در محكمه بودم] فرمود: فرزندم، چهار صد دينار به او بده. گفتم: اي پدر، فدايت گردم؛ مگر حق با تو نيست؟ فرمود: آري فرزندم؛ ولي خداوند را جليل‌تر از آن مي‌دانم كه به او سوگند ياد كنم.» [6] .

## كلاس درس عذرخواهي

ابوبصير از امام باقر (ع) نقل كرده است كه فرمود: «پدرم غلامش را به دنبال كاري فرستاد؛ ولي او در انجام كار كوتاهي كرد. پدرم وي را تنبيه كرد. غلام ناراحت شد و گلايه كرد. پدرم به خاطر اين كار ناراحت شد و گريست. آنگاه فرمود: فرزندم، نزد قبر رسول خدا (ص) برو و دو ركعت نماز بخوان و بگو «اللهم اغفر لعلي بن الحسين»؛ خدايا در قيامت علي بن حسين را ببخش. سپس به غلام فرمود: تو در راه خدا آزاد هستي...» [7] [ذكر اين نكته ضروري است كه طلب استغفار منافات با مقام عصمت حضرت ندارد زيرا حضرت گناهي مرتكب نشد تا نياز به استغفار داشته باشد، لكن مقام والاي آن حضرت ايشان را بر آن داشت كه براي همين اندازه عمل غير گناه نيز استغفار كند.]

## همراهي در حمام

گاهي اوقات حضرت فرزند خود را به حمام مي‌برد و اين عمل [در صورت كودك بودن فرزند] علاوه بر آنكه نشان دهنده توجه حضرت به مسايل خانواده و كمك به همسر در امور خانواده است، يك رفتار تربيتي است؛ زيرا عملا به فرزند خود اهميت بهداشت و آداب حمام رفتن را مي‌آموخت. حنان بن سدير از پدرش چنين نقل كرد: «من همراه پدرم و جد و عمويم به حمامي در مدينه رفتيم. در حمام شخصي ما را به رعايت ستر و پوشش تذكر داد. او با جدم صحبت كرد و به او گفت: چرا خضاب نمي‌كني.... بعد از حمام كردن، درباره وي پرسيدم و دريافتم كه او علي بن حسين است كه با فرزندش محمد حمام آمده است. «فاذا هو علي بن الحسين و معه ابنه محمد بن علي صلوات الله عليهم». [8] . نمونه‌هايي كه ذكر شد، نشان مي‌دهد كه حضرت با همراه بردن فرزند خود به مجالس و مكانهاي مختلف، واگذاري مسؤوليت به وي و شركت دادن او در فعاليتهاي سياسي به تربيت عملي او اقدام مي‌كرد و اين شيوه در تربيت بس مفيد و مؤثر است؛ زيرا بسياري از نقاط ضعف و قوت اخلاقي و غير اخلاقي فرزندان و نيز استعدادها و توانمنديهاي آنان در ميدان عمل آشكار مي‌شود. چه بسا فرزندان استعدادها و نقاط قوت ناشناخته داشته باشند و يا از عيوب و ضعفهاي پنهان رنج ببرند؛ شركت دادن فرزندان در فعاليتهاي مناسب و نظارت درست بر كار آنان والدين را از اين امور آگاه مي‌سازد.

## تربيت به شيوه موعظه

هر چند تربيت عملي و غيرمستقيم مؤثرتر است؛ اما موعظه و نصيحت فرزندان نيز يك شيوه تربيتي مؤثر و مفيد است و گاهي آثاري دارد كه از تربيت غير مستقيم برنمي‌آيد، موعظه و نصيحت اگر بجا، منطقي، با لطافت و نرمي و از سر سوز و خيرخواهي باشد، باعث ايجاد الفت و صميميت بين والدين و فرزند مي‌شود. زيرا فرزند احساس مي‌كند والدين او را دوست دارند، با او صميمي‌اند و براي او احترام و اهميت قايلند؛ بويژه اگر والدين قبل از آن محبت بي‌شائبه و دلسوزي صادقانه خود را نسبت به او نشان داده باشند. موعظه و نصيحت به وقت خاصي اختصاص ندارد. متاسفانه برخي از والدين فقط هنگامي كه فرزندانشان مرتكب خلاف مي‌شوند به فكر نصيحت مي‌افتند. غافل از آنكه موعظه نهي از منكر نيست و غالبا در هنگام ارتكاب خلاف و بعد از آن تأثير مطلوب ندارد. موعظه بايد قبل از ارتكاب خلاف و براي پيشگيري از آن باشد نه وسيله‌اي براي درمان. امام سجاد (ع) در فرصتهاي مناسب به نصيحت فرزندان مي‌پرداخت و نكات لازم را به فرزندان گوشزد مي‌فرمود. نمونه‌هايي از مواعظ آن حضرت به فرزندانش چنين است: 1 - مالك بن اعين جهني مي‌گويد: علي بن حسين (ع) فرزندش محمد (ع) را چنين وصيت فرمود: من تو را جانشين بعد از خود قرار دادم. هر كس ادعاي آنچه بين من و تو است [مقام امامت] كند، خداوند در روز قيامت‌ حلقه‌اي از آتش بر گردنش مي‌آويزد. آنگاه فرمود: فرزندم؛ خداوند را بر اين نعمت ستايش كن و سپاسگزار باش. فرزندم، هر كه بر تو انعام كرده، سپاسگزاري كن و بر هر كه از تو سپاسگزاري كرد، انعام كن؛ زيرا نعمتي كه شكرش را به جا آوري از بين نمي‌رود و نعمتي كه كفران ورزي باقي نمي‌ماند. شكر نعمت براي شكركننده از خود نعمت با بركت تر است. سپس حضرت اين آيه را تلاوت فرمود: «لان شكرتم لازيدنكم و لان كفرتم ان عذابي لشديد» (ابراهيم / 7)؛ اگر شكر نعمت كني، نعمتت افزون مي‌گردد و اگر كفران ورزي، بدان كه عذاب الهي شديد است. [9] . 2 - آن حضرت به فرزندش محمد (ع) فرمود: هر كه از تو طلب خير كند، به او خوبي كن؛ اگر او از اهل خير باشد، خوبي را در جاي خودش انجام داده‌اي و اگر او اهلش نباشد، تو اهلش هستي. هر گاه كسي در جانب راست به تو دشنام داد و به جانب چپ تو آمد و معذرت خواست، عذرش را بپذير. [10] . 3 - همچنين به فرزندش فرمود: از آزار ديگران بپرهيز و با ريزش عطايا آنان را نوازش كن. زبان را بر سكوت كمك كن؛ زيرا براي سخن گفتن حالاتي است كه موجب زيانش مي‌شود. از دوستي با احمق بپرهيز، هر چند دوست باشد؛ همچنان كه از عاقل در صورت دشمن بودن، پرهيز مي‌كني. از خصومت و ستيز با مردم برحذر باش؛ زيرا يا به مكر شخص حليم و پرحوصله‌اي دچار خواهي شد و يا با فرومايه‌اي روبه‌رو مي‌شوي كه آسيب ناگهاني بر تو وارد مي‌كند. [11] . 4 - همچنين در كلام ديگري خطاب به فرزندش فرمود: از دروغ گفتن، كوچك و بزرگش، جدي و شوخي اش بپرهيز؛ زيرا اگر انسان دروغ كوچك بگويد بر دروغ بزرگ نيز جسارت پيدا مي‌كند.... [12] . 5 - عثمان بن خالد از پدرش نقل كرده كه: علي بن الحسين در بيماريي كه به وفاتش انجاميد، فرزندانش، محمد، حسن، عبدالله، عمر، زيد و حسين را گرد آورد، فرزندش محمد را كنيه [لقب] باقر داد، سرپرستي فرزندان را به او سپرد و فرمود: فرزندم، خرد راهنماي روح است و دانش رهنماي خرد و خرد ترجمان دانش است. بدان كه علم جاوداني‌تر است و زبان بيهوده گو تر؛ و صلاح تمام امور دنيا به منزله پيمانه پري است كه دو سوم آن هوشياري و ذكاوت و يك سوم آن تغافل و چشم پوشي است؛ زيرا انسان جز از چيزي كه شناخته و درك كرده، تغافل نمي‌كند. بدان كه گذشت ساعتها عمر تو را مي‌برد و تو هرگز به نعمتي دست پيدا نمي‌كني، مگر با جدا شدن از نعمت ديگر. برحذر باش از آرزوي دراز، زيرا چه بسيار آرزومندي كه به آرزوي خود نرسد.... [13] . 6 - ثمالي از امام باقر (ع) چنين نقل كرد كه: هنگامي كه وفات پدرم علي بن حسين (ع) فرا رسيد مرا به سينه خود چسبانيد و فرمود: فرزندم، وصيت مي‌كنم تو را به آنچه پدرم هنگام وفات، مرا وصيت كرد... بپرهيز از اينكه ستم كني بر كسي كه جز خداوند را براي حضرت خويش نيابد. [14] و نيز فرمود: بر كار حق صبر كن، اگر چه تلخ باشد. [15] . 7 - آن حضرت به فرزندش فرمود: فرزندم در گرفتاريها شكيبا باش و معترض حقوق ديگران نشو و برادرت را در كاري كه زيانش بر تو بيش از منفعتش براي او باشد اجابت نكن. [16] . اين حديث طبق نقل صاحب عقدالفريد به جاي عبارت «لا تتعرض للحقوق» «لا تعرض للحقوق» و به جاي «منفعته له» «منفعته لك» دارد و معناي حديث چنين مي‌شود: فرزندم... خود را در معرض هلاكت قرار مده و برادرت را در كاري كه زیانش براي تو از نفعش بيشتر است اجابت نكن. [17] .

پاورقي

[1] كشف‌الغمة، ج 2، ص‌287.

[2] الارشاد، ص‌256؛ بحار، ج‌46، ص 74 و 75؛ كشف‌الغمة، ترجمه آقاي حسيني زوارئي، ج 2، ص‌279.

[3] حلية‌الابرار، ج 2، ص‌13 و 14؛ بحارالانوار، ج 46، ص 99.

[4] همان، ص 154.

[5] كشف الغمة، ج 2، ص 331.

[6] حلية الابرار، ج 2، ص 20 و 21.

[7] بحارالانوار، ج 46، ص 92، ح 79؛ حلية الابرار، ج 2، ص 44.

[8] بحار، ج 46، ص 141 - 142.

[9] همان، ص 241 و 242. [

[10] تحف العقول، ص 205؛ مشكاة الانوار، ص 65.

[11] ناسخ التواريخ، زندگاني امام سجاد (ع)، ج 2، ص 3 و 4.

[12] همان.

[13] بحار، ج 46، ص 231 و 232؛ كتاب الامام زين‌العابدين، عبدالرزاق مقرم، ترجمه حبيب روحاني، ص 588.

[14] بحار، ج 46، ص 153 و 154.

[15] ناسخ التواريخ، زندگاني امام سجاد (ع)، ج 2، ص 6.

[16] بحار، ج‌46، ص 95؛ مناقب آل ابي‌طالب، ج 4، ص 165؛ البيان و التبيين، جاحظ، ج 2، ص 59.

[17] عقدالفريد، اندلسي، ج 3، ص‌153.

فهرست مطالب

[تربيت از ديدگاه امام سجاد علیه السلام 2](#_Toc420153858)

[حق فرزند 3](#_Toc420153859)

[فرزند، پاره تن انسان 3](#_Toc420153860)

[فرزندان مايه افتخار يا ذلت والدين 4](#_Toc420153861)

[مسؤوليت والدين 5](#_Toc420153862)

[محورهاي مسؤوليت 5](#_Toc420153863)

[شيوه ايفاي مسؤوليت 6](#_Toc420153864)

[پاداش و كيفر مسؤوليت 6](#_Toc420153865)

[نماياندن آثار اعمال نيك به فرزند 7](#_Toc420153866)

[نظارت بر رفتار فرزند 7](#_Toc420153867)

[بهره‌گيري از استعدادهاي فرزند در تربيت 8](#_Toc420153868)

[استمداد از پروردگار در تربيت 8](#_Toc420153869)

[حق خردسال 9](#_Toc420153870)

[مهرباني 9](#_Toc420153871)

[تربيت كودك 10](#_Toc420153872)

[تعليم و آموزش كودك 10](#_Toc420153873)

[عفو 11](#_Toc420153874)

[خطا پوشي و تغافل 11](#_Toc420153875)

[رفق و ملاطفت با كودك 12](#_Toc420153876)

[كودكان فقراي درگاه بزرگسالان 13](#_Toc420153877)

[مدارا با كودك 13](#_Toc420153878)

[ترك لجاجت با كودك 14](#_Toc420153879)

[امام سجاد علیه السلام و تربيت فرزند 14](#_Toc420153880)

[تربيت به شيوه الگويي 14](#_Toc420153881)

[تربيت شيوه عملي 17](#_Toc420153882)

[آموزش احترام به بزرگترها 18](#_Toc420153883)

[همراهي در محكمه قضاوت 19](#_Toc420153884)

[كلاس درس عذرخواهي 19](#_Toc420153885)

[همراهي در حمام 20](#_Toc420153886)

[تربيت به شيوه موعظه 21](#_Toc420153887)

[فهرست مطالب 25](#_Toc420153888)